

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و پنجم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 16 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که نتیجه نهایی که جلسه قبل گرفتیم این شد که مراد از روایات عرضه بر کتاب، موافقت و مخالفت با روح شریعت و قرآن است و لذا این اخبار نافی اخبار حجیت خبر واحد به حساب نمی آیند از این روی خبر واحد ثقه ای که مخالف روح کلی قرآن نباشد مشکلی ندارد.

مطلب جدید

استاد: خبر مخالف اگر قرار شد رد شود آیا دامنه خبر مخالف به نحو مخالفت عام و خاص، مطلق و مقید را در بر می گیرد یا نه؟ مثلاً قرآن مطلق است و روایت مقید است؛ شما اگر ده روز وقت بگذارید یک روایتی که 100% مخالف قرآن باشد را پیدا نمی کنید چرا که چنین خبری هیچ موقع زمینه پذیرش نداشته است؛ مثلاً قرآن که می فرماید برای مردان دو برابر ارث زنان است ما روایتی نداریم که بگوید این چنین نیست. اما تا دلتان بخواهد روایاتی داریم که رابطه آنها با قرآن عام و خاص یا مطلق و مقید است. مثلاً بحث عدم ارث زوجه از عقال که این روزها مطرح است این خلاف قرآن است چرا که قرآن می فرماید اگر مرد بچه دارد یک هشتم ارث می برد و اگر بچه ندارد یک چهارم ارث می برد و در قرآن هیچ تخصیصی هم برای این حکم نیامده است. و...

آیا مخالفت شامل مخالفت به نحو خاص و عام هم می شود؟

تخصیص قرآن به خبر واحد

ما چند سال قبل در ذیل بحث تخصیص قرآن به خبر واحد مفصل صحبت کردیم و گفتیم تقریباً فقهای ما و اصولیین ما _ البته کسانی که حجیت خبر واحد را قبول دارند _ پذیرفته اند که تخصیص قرآن به خبر واحد جایز است؛ صاحب جواهر می فرماید اگر قبول نکنیم فقه جدید لازم می آید مرحوم نائینی و خویی می فرمایند بالاجماع جایز است، مرحوم آقا ضیا عراقی می فرماید این بحث حیف است وقت بگذاریم چرا که بسیار واضح است که تخصیص قرآن به خبر واحد جایز است و این از مصادیق مخالفت نیست؛ البته ابن ادریس تخصیص قرآن به خبر واحد را قبول ندارد اما مخالفت ایشان اشکالی ایجاد نمی کند چرا که ایشان اصلاً خبر واحد را قبول ندارد.

استاد: ما به صاحب جواهر و سایرین عرض کردیم که این جور که شما وانمود می کنید نیست اولاً اتفاق و اجماع وجود ندارد ثانیاً: اتلاف وقت نیست ثالثاً: فقه جدید هم پیش نمی آید. ما هرچه به صدر اسلام بر گردیم می بینیم که تامل در این مساله بیشتر است کسانی بودند که عمومات قرآن را به راحتی توسط روایات تخصیص نمی زدند، اشخاصی مثل یونس بن عبدالرحمن، زراره، فضل بن شاذان، حسن بن ابی عقیل و... که متهم به قیاس گرایی بوده اند به نظر ما قیاس گرا نیستند بلکه زیر بار تخصیص قرآن به خبر واحد نرفتند؛ در مواردی که علما دیگر به خبر واحد عمل می کردند علما مذکور به قرآن و قاعده استناد می کردند.

نکته: میدانید که قیاس گرا یک قاعده درست می کنند و در موارد مشابه از آن قاعده استفاده می کنند و کار این علمای مذکور چون شبیه آنها بود به قیاس گرایی به اشتباه متهم شدند.

استاد: ما درس چند سال قبل به آقایان (صاحب جواهر، نائینی و...) عرض کردیم که مساله این قدر هم ساده نیست اما در نهایت تخصیص قرآن به خبر واحد را پذیرفتیم. اما بعضی وقت ها عمومات ما آبی از تخصیص هستند (قرآن قانون اساسی ماست اما روایات ما مثل قوانین مجلس است از این روی قانون مجلس را به راحتی می شود استثناء کرد به خلاف قانون

اساسی؛ قرآن وقتی می فرماید احل الله البيع و حرم الربا ... وقتی اطلاق و عمومش را پذیرفتیم دیگر به راحتی توسط یک روایت تخصیص نمی خورد؛ لذا ما گفتیم اگر فقیه به تخصیص اطمینان دارد عمل کنید و در غیر این صورت به عمومات عمل کند. نکته: بسیاری از عمومات و اطلاقات قرآن اصلاً عموم و اطلاق نیست مثلاً احل الله البيع ... قبلاً عرض کردیم که آیه می فرماید: الذین یاکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ... ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا... اولاً اصلاً معلوم نیست اینها قول خداوند باشد چه بسا قول کفار باشد. سلمنا که قول خداوند باشد ممکن است خدای تعالی فرموده که این طور نیست که شما فکر می کنید بلکه من خدا بیع را حلال کرده ام و ربا را حرام و... در این صورت هم آیه در صدد اطلاق نیست بلکه آیه فقط جواب آنها را می دهد.

مثلاً اینکه کسی پیرسد مضاربه چطور است؟ جواب بدهند مضاربه فلان جور است و... از کجای این جواب می شود اطلاق گرفت؟! بله اگر قرآن می فرمود: یا ایها الذین آمنوا احل الله البیع و ... اگر اخباری که می گوید مخالف کتاب را اخذ نکن فرض عام و خاص، تباین و... را نگیرد این اخبار بی مورد خواهد شد و این هم مشکل است.

استاد: کسانی که می گویند مراد از موافقت و مخالفت خبر با قرآن، موافقت و مخالفت با آیه خاص قرآن است باید بگویند که مراد از مخالفت، مخالفت به نحو تباین است در این صورت اشکال قبلی که گفتیم بر این کلام وارد است. اشکال دوم: مگر مخاطب این روایات که می گوید روایات مخالف قرآن را رها کنید و... شیخ انصاری و مقدس اردبیلی است؟ این طور که شما (استادعلیدوست) تفسیر کردید که روح قرآن، مقاصد قرآن و.. اینها را یک انسان فرهیخته که با قرآن انس دارد متوجه می شود امام مخاطبین قرآن اشخاص معمولی بوده اند.

پاسخ: این بحث چندین سال است ذهن بنده را مشغول کرده است؛ معمولاً علمای ما می گویند مخاطب این روایات مردم عادی هستند من هم در فقه و عرف همین فکر را تثبیت کردم اما واقع مطلب این است که این بحث جای فکر دارد و من در کتاب روش شناسی اجتهاد به این خواهیم پرداخت. اما اجمالاً عرض کنم مگر تشخیص مخالفت و موافقت با آیه خاص قرآن کار آسانی است؟ پس اشکال هم به دیگران وارد است و هم ما؛ البته اشکال نسبت به ما آكد است چرا که شناخت مقاصد سخت تر است. اصلاً ممکن است که بگوئیم مخاطب برخی از روایات خواص هستند کما اینکه مخاطب برخی آیات خواص هستند. شاهد بر این مطلب روایت امام سجاد علیه السلام است که فرمود خداوند می دانست یک عده افراد در آخر الزمان می آیند و لذا سوره قل هو الله احد را برای آنها نازل کرد. معنایش این است که توده مردم آن زمان درک قل هو الله احد را نداشتند. یا روایات که می گوید مخالف عامه را رد کن و... مردم آن زمان غالباً بی سواد بودند لذا ممکن است مخاطب این روایت اشخاص خاصی باشند. البته من در فقه و عرف از این اندیشه دفاع کردم و گفتم شاید مراد این باشد که به عرف، عام و خاص و... را کامل توضیح دهی سپس او داروی کند.

نکته دیگر: در روایات ما گاهی می گوید مخالف کتاب را رد کنید و گاه میگوید وافق الكتاب را قبول کنید و شما می دانید که بین این دو واسطه وجود دارد. یعنی چیز سومی داریم که نه موافق قرآن است و نه مخالف قرآن؛ در این مورد جلسه بعد توضیح خواهیم داد انشالله

و الحمد لله رب العالمین